

تزکیہ نفس

(در پر تو قرآن و سنت)

مؤلف: دکتر احمد فرید
مترجم: پدram اندایش

سرشناسه	:	فرید، احمد Farid, Ahmad
عنوان قراردادی	:	تزکیه النفوس، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	تزکیه نفس (در پرتو قرآن و سنت) / مولف احمد فرید؛ مترجم پدram اندایش.
مشخصات نشر	:	سنندج: نالای رووناکی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۱۷۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۵۵۱-۳۳-۱
وضعیت فهرست نویسی	:	فپا
دداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	خودسازی -- جنبه های قرآنی
شماره افزوده	:	اندایش، پدram، ۱۳۵۵ - مترجم
رده ندی کتاره	:	BP۱۰۴ ۱۳۹۶ ۱۳۰۴۱ ف۹۵/خ
رده بندی ده	:	۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی	:	۴۸۱۱۹۶۱



تزکیه نفس در پرتو قرآن و سنت

مولف: دکتر احمد فرید

ترجمه: پدram اندایش

صفحه آرای: صمد احمد زار

ناشر: نالای رووناکی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۵۱-۳۳-۱

مرکز پخش:

سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

۰۸۷۳۳۱۲۸۳۴۱

فهرست مطالب

۷	مقدمه‌ی مترجم
۸	مقدمه‌ی مؤلف
۱۱	۱ - اخلاص و تبعیت
۱۲	الف - اخلاص
۱۷	فضیلت ذات
۱۸	ب - تبعیت از سنت
۲۱	۲ - فضیلت علم و علماء
۲۶	۳ - انواع قلب و اقسام آن
۲۷	الف - قلب سلیم
۲۹	ب - قلب مُرده
۳۰	ج - قلب مریض
۳۱	نشانه‌های بیماری یا سلامت قلب
۳۱	نشانه‌های بیماری قلب
۳۱	علامت‌های صحت قلب
۳۳	دلایل بیماری قلب
۳۵	۴ - سم‌های قلب، چهار دسته می‌باشند
۳۶	۱ - آفت‌های کلام
۴۰	۲ - آفت‌های نگاه
۴۴	۳ - آفت‌های خوردنی و نوشیدنی
۴۶	۴ - آفت معاشرت
۴۸	۵ - راه‌های زنده ماندن قلب و غذاهای منفعت‌دار
۴۹	۱ - ذکر و یاد نمودن الله و تلاوت قرآن

- ۲ - استغفار (طلب آمرزش) ۵۵
- ۳ - دعا نمودن ۵۸
- آداب دعا ۶۱
- ۴ - صلوات بر پیامبر ﷺ ۶۴
- روش صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ ۶۸
- ۵ - نماز شب (تهجد) ۶۹
- یاتی در فضیلت نماز شب ۶۹
- دوری کردن و زهد داشتن به دنیا و بیان حقارت آن ۷۲
- درجه‌بندی ۷۸
- مذمت دنیا ۷۹
- بنی آدم در دنیا به دو سمت، تقسیم می‌شوند ۸۱
- ضررهای دوست داشتن دنیا ۸۵
- ۷ - حالت‌های نفس و تردد محاسبه قرار دادن آن ۹۲
- نفس مطمئنة ۹۳
- نفس لوامة (ملاحت کننده) ۹۷
- نفس الأمارة بالسوء (نفسی که به بدی تمایل دارد می‌کند) ۹۸
- محاسبه‌ی نفس ۱۰۱
- محاسبه‌ی نفس دو نوع است: نوعی قبل از عمل و نوعی بعد از آن ۱۰۳
- فایده‌های محاسبه نفس ۱۰۶
- ۸ - صبر و شکر ۱۰۷
- الف - صبر ۱۰۷
- فضیلت‌های آن ۱۰۷
- معنای صبر و حقیقت آن ۱۱۰

- انواع صبر بر حسب تعلقاتش..... ۱۱۳
- نقل‌هایی که در فضیلت صبر آمده است..... ۱۱۷
- ب - شکر..... ۱۲۱
- ۹ - توکل..... ۱۲۷
- ۱۰ - محبت الله عز وجل..... ۱۳۲
- ۱۱ - رضایت‌مندی از قضا و قدر الله عزوجل..... ۱۴۱
- ۱۲ - ترس و امید (خوف و رجاء)..... ۱۴۴
- الف - امید (رجاء)..... ۱۴۵
- نقل‌هایی که درباره‌ی رجاء (امید) آمده است..... ۱۴۸
- ب - ترس (خوف)..... ۱۵۰
- فضیلت ترس (خوف)..... ۱۵۳
- نقل‌هایی که درباره‌ی ترس آمده است..... ۱۵۵
- ۱۳ - توبه..... ۱۶۰
- توبه‌ی نصوح..... ۱۶۶
- اسرار توبه و نکته‌های آن..... ۱۶۹
- ۱۴ - فهرست مراجع..... ۱۷۴

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله بسیار رحمت کننده و دائماً رحمت کننده * قسم به خورشید و پرتو آن * و قسم به ماه وقتی در پی آن در آید * و قسم به روز وقتی آن را نمایان سازد * و قسم به شب وقتی آن را فرو می‌پوشاند * و قسم به آسمان و آن که آن را بنا نهاد * و قسم به زمین و آن که آن را گستراند * و قسم به نفس و آن که آن را سامان داد * و تقوای او را به او الهام نمود * کسی که آن را پاک داشت رسانار شده است * و کسی که آن را پنهان داشت، ناکام شده است.

اما بعد: این بیشترین عداد قسمی است که الله تعالی در یک سوره برای نشان دادن اهریث و رذوع پاک کردن نفس یا همان تزکیه نفس بیان فرموده است. تزکیه نفسی که پیامبر ﷺ برای ما بیان داشته است و راهی جز این راه برای پنداری و تزکیه نفس وجود ندارد. اگر کسی مطلب جدیدی را به سرعت اضافه کند بدین معناست که نعوذ بالله، الله متعال پیاه بر ﷺ و صحابه ﷺ نفهمیدند که آن مطلب چیز خوبی است و ما فهمیده‌ایم.

در این کتاب تزکیه نفس با توجه به کلام الله متعال و سنت پیامبر ﷺ و شرح بزرگان دین، توضیح داده شده است، از الله تعالی طلب می‌نمایم که آن را برای خود خالص گرداند و به من و شما توفیق دهد تا از آن بهرمند شویم.

مقدمه‌ی مؤلف:

از الله تعالی درخواست می‌کنم که خاتمه‌ی زندگی ما را نیکو فرماید.

شکر و ستایش برای الله است، او را حمد گفته و از او طلب یاری و آمرزش می‌نماییم، به الله پناه می‌بریم از شرهای درونمان و بدی‌های اعمالمان. کسی را که الله هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که او گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد و شهادت می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحق جز الله وجود نداشته، یگانه ربی، بیک است و شهادت می‌دهم محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد، سُبْحَانَ اللهِ عَلَيْهِ و عَلٰی آلِهِ و صَحْبِهِ و سلم تسلیماً.

اما بعد:

پانزده سال پیش با شروع بیداری اسلامی، الله ﷻ به من توفیق داد تا کتابی مختصر در راهی رقت‌های [قلب] و با عنوان «دقائق الأخبار فی رقائق الأخبار» را جمع‌آوری کنم.

این کتاب با تیراژ بالا به صورت تحلیف شده چاپ شد. سپس برادر شرف حجازی از من اجازه گرفت تا کتاب را بعد از تحقیق آن مجدداً چاپ نمایم. بنده به او اجازه دادم. این امر صورت پذیرفت. نام کتاب را به «تزکیه‌ی النفوس» و با تحقیق برادر «ماجد أبو اللیل» تغییر دادم. این کتاب به فضل الله ﷻ منتشر شد و در بیروت در چاپخانه‌ای به نام دارالقلم بدون هیچ محدودیتی به چاپ رسید، نمی‌دانم که آیا این عمل به اتفاق محقق صورت پذیرفت یا به مانند چاپهای بیرونی انجام شد، در هر صورت این عمل به اذن مؤلف صورت نپذیرفت، این کتاب از همان ابتدا که آن را نوشتم با کمبود

مراجع و علم و روایات همراه بود و شامل بعضی احادیث ضعیف بود. لذا خواستم تا ساحت خود را از این احادیث ضعیف پاک کنم و با آن برخوردی نمایم که با «البحر الرائق» و «مختصر بغیة الإنسان» و غیر آن دو انجام دادم و احادیث ضعیف آن را حذف کردم، کتاب دوباره تحقیق شده و آماده‌ی چاپ گردید تا برای برادران مبتدی ما که در طلب علم هستند، قابل حصول باشد.

در این چاپ بعضی اضافات صورت گرفت و احادیث ضعیف با صحیح تعویض گردید و با احادیث صحیحی که در صحیحین نبوده و در متن علم از آن احادیث نیز بی‌نیاز نبود، جایگزین شد؛ بدون شک مؤلف کتاب به تحقیق آن شایسته‌تر بوده و او شاهد تلاشی بسیار بود که در آن فایده‌ی جدید حاصل شد. چه بسیار کتاب‌هایی هستند که بیش از یک منطق آنها را تحقیق کرده است و مردم از کوشش محققین بیشتر استفاده کرده‌اند، در اسم کتاب سعی کردم که تدلیس صورت نگیرد و هر کس که آن را می‌خرد، گمان ببرد کتاب جدیدی تهیه کرده است.

اما موضوع کتاب: کتاب مختصری است درباره‌ی تزکیه نفس و روشی است که با پاک نمودن نفس، نفس تزکیه داده می‌شود، تا آن شاء الله مورد استجابت پروردگار قرار گرفته و باعث رستگاری در دنیا و آخرت شود، همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ همانا کسی که آن را پاک کند، رستگار شده است و کسی که آن را پنهان بدارد، ناکام می‌گردد.

همچنین دعای پیامبر ﷺ می‌باشد که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَزَكَّاهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا» یا الله! به نفس من تقوای آن را عطا فرما و آن را تزکیه نما! تو بهترین کسی هستی که آن را تزکیه می‌نمایی و تو دوست و یاور آن می‌باشی^(۱).

کتاب با شناخت از آنچه که علم توسط آن مورد پذیرش قرار می‌گیرد که همان دو شرط اخلاص و تبعیت می‌باشند، شروع می‌شود، سپس فضیلت علم و علماء را بیان کرده و حالت‌های قلب و بیماری‌ها و علامت‌های آن، اسباب سالم بودن و بیمار شدن قلب را بیان می‌نماید. انسان‌ها نیازی به توصیه درباره‌ی بدن‌های خود، برای زنده ماندن، دفع چیزی که آنها را هلاک می‌کند، ندارند و تمامی آنها، آنکه را که برایشان مفید است را می‌خورند و آنچه که معلوم شود برای آنها ضرر دارد را ترک می‌کنند؛ در حالی که سمهایی که برای قلبشان مضر است را استفاده می‌کنند و از نیازهایی که به آن قلب‌ها نفع می‌رساند، دوری می‌کنند، تا آنجا که بدن قبری برای قلب می‌شود، مگر کسی که الله به وی رحم کند که آنها اندک می‌باشند.

سپس بابتی را ذکر کردم که در آن درباره‌ی حاسبه‌ی نفس آمده است و بابتی درباره‌ی زهد و ضررهای دوست داشتن دنیا، متأسفانه در تمامی چاپ‌های قبلی این قسمت به چند فصل تقسیم شده است و این در حالی است که موضوع واحدی را بیان می‌دارد و به فضل الله ﷻ در این چاپ در یک فصل بیان شده است.

۱. صحیح (۴۱/۱۷) با ذکر نمودن زیادتی بر آن در اول و آخرش، أحمد (۳۷۱/۴) و

سپس عباداتی را بیان نموده‌ام که نزد الله ﷻ دوست داشتنی‌ترین عبادات بوده و قلب اصلاح نمی‌گردد مگر با انجام آنها، مانند: صبر، شکر، امید، ترس، محبت، توکل و رضایتمندی. این قسمت زیبا را با آنچه نفس را تزکیه می‌دهد به پایان رسانده‌ام و آن توبه‌ای می‌باشد که می‌بایست، مشغولیت در طول عمر باشد و سببی است برای رسیدن به محبت الله ﷻ ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُنتَظِرِينَ﴾ [البقرة/۲۲۲] الله، بسیار توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد و کسانی که عیبی را می‌کنند را [نیز] دوست می‌دارد.

از الله ﷻ طلب می‌نماییم تا ما را بر توبه‌ی نصوح توفیق دهد و اعمال صالح ما را قبول کند و آنچه از نقصان و لغزش که در ما وجود دارد را ببخشد. بهترین اعمال ما را در پایان عمر ما قرار دهد و بهترین روز ما را روزی قرار دهد که با او دیدار می‌کنیم، و صلی الله و سلم و بارک علی - ص - علی آله و صحبه و الحمد لله رب العالمین.

۱ - اخلاص و تبعیت:

دو شرط است که باعث قبولی عمل می‌گردد. الله ﷻ هیچ عملی از اعمال را قبول نمی‌کند، مگر آن که دو شرط برای آن محقق گردد، اول: اخلاص و آن شرط باطنی است، دوم: تبعیت سنت رسول الله ﷺ و آن شرطی ظاهری است و دلیل آن کتاب نازل شده توسط الله تعالی و سنت پیامبر ﷺ است که فرستاده‌ی وی می‌باشد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [الملک: ۲] کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را امتحان کند که کدام یک از شما نیکوتر در عمل می‌باشید).

فضیل عیاض گفته است: او آن را خالص گردانده است و اگر عمل مخلصانه باشد و نیک نباشد، قبول نمی‌شود و اگر نیک باشد و مخلصانه نباشد، باز هم قبول نمی‌گردد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکھف: ۱۱۰] پس کسی که به دیدار پروردگارش امید دارد، عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک قرار ندهد.

عمل صالح همان است که موافق سنت باشد و عدم شریک قرار ندادن، همان اخلاص است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَّا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾ [النساء: ۱۲۵] چه کسی نیکوتر در دین است که خودش را تسلیم الله گرداند در حالی که او نیک کار کند. تسلیم کردن خود همان اخلاص است و نیکوکاری تبعیت از سنت پیامبر ﷺ.

الف - اخلاص:

اخلاص، پاک کردن نیت تقرب به الله ﷻ از تمام آمیختگی‌ها است.

گفته شده است: یکی کردن نیت برای الله ﷻ در تمامی اطاعت‌ها.

گفته شده است: فراموش کردن این که مخلوقات بنده را می بینند با مداومت به آن که خالق او را می بیند.

اخلاص شرط قبول شدن عمل صالحی است که موافق با سنت رسول الله ﷺ باشد و الله ﷻ ما را به آن امر نموده و می فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البینة: ۵] و به آنها امر نداد، مگر آن که الله را مخلصانه و حق گرایانه بپرستند.

از ابو امامه رضی الله عنه آمده است: مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: درباره ی مردی که جهاد می نماید [و از الله] اجر می خواهد در حالی که دوست دارد [مردم را] یاد کنند چه می گویی؟ رسول الله ﷺ فرمود: «لَا شَيْءَ لَهُ» (هیچ چیز برای او نیست)، او سه بار تکرار نمود و رسول الله ﷺ فرمود: «لَا شَيْءَ لَهُ» (هیچ چیز برای او نیست) سپس فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا وَابْتِغَايَ بِهِ وَجْهَهُ» الله عملی را قبول نمی کند مگر آن که خالص برای وی صورت پذیرد و جهت کسب [رضایت] صورت وی باشد ^(۱).

ابو سعید خدری رضی الله عنه آورده است که پید بر رضی الله عنه در حجة الوداع فرمود: «نَضَرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاَهَا قُرْبًا سَامِلًا نَفَقًا رَسًا بَفْقِهِ ثَلَاثٌ لَا يُغِلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُؤْمِنٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَمُنَادَاةُ رَأْسِهِ بِرَأْسِهِ»

(۱) سنن نسائی (۲۵/۶) الجهاد، و العراقی آن را در تخریج الإحياء (۲۸/۴) حسن دانسته است.

منذری در الترغیب (۲۴/۱) گفت است: اسناد آن جيد است و آلبانی در صحیحش آن را

حسن دانسته است: شماره ی (۵۲).

المُسْلِمِينَ وَلُزُومُ جَمَاعَتِهِمْ»^(۱) الله نورانی سازد [صورت] کسی را که سخن مرا شنیده و آن را به خاطر بسپارد، شاید حمل کننده‌ی فقه، فقیه نباشد، سه چیز است که قلب مؤمن را از آکنده شدن به پلیس‌دی حفظ می‌کند: اخلاص عمل برای الله و خیر خواهی برای امامان مسلمان و لزوم پیرو جماعت بودن [که همان خودداری از فرقه فرقه شدن است..]

معنایش این است: این سه امر قلبها را اصلاح می‌کند و کسی که به آنها مشغول شود، قلبش از خیانت، دغل و شر پاک می‌ماند. بنابر این انسان خلاصی نمی‌یابد مگر با اخلاص، زیرا الله عزوجل می‌فرماید:

﴿إِلَّا عِبَادًا يَنْتَهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾ [ص: ۸۳] مگر آن بندگان که مخلص گشته‌اند. روایت شده است که یکی از صالحان به نفسش می‌گفت: «ای نفس خالص شو تا خلاصی یابی».

نفس به تمامی انگیزه‌های حیایی گرایش دارد و قلب نیز کم و بیش به سوی آنها تمایل دارد. وقتی راه به سوی عملی [خبیث] پیموده می‌شود، صفای آن کدورت پیدا کرده و اخلاص آن از بین می‌رود. انسان با محرک‌ها در ارتباط است و در شهوات آن غوطه‌ور می‌شود، کم هستند اعمال و یا عبادتی که از این محرک‌ها و نیت‌های نزدیک به این جنس، در امان باشند؛ به همین دلیل است که گفته شده است: «اگر کسی در عمرش یک لحظه در خالص

(۱) سنن ترمذی (۱۲۶/۱۰) العلم و گفته است: حدیث حسن صحیح است، سنن ابن ماجه

(۸۴/۱) المقدمة، و الدارمی (۷۶/۱) و البغوی در شرح السنة (۲۳۷/۱)، وأحمد (۸۰۸۲/۴)

و آلبانی آن را صحیح دانسته است.

بودن برای جلب رضایت الله سالم بماند، نجات می‌یابد» و این برای عزتِ اخلاص است و سخت بودن پاک نگه داشتن قلب از این آلودگی‌ها. اخلاص، پاک بودن قلب از تمامی آمیختگی‌ها است، چه کم و چه زیاد، تا این که نیت فقط تقرب باشد و هیچ چیز با آن آمیخته نگردد. این مهم متصور نمی‌شود، مگر در محبت الله ﷻ و غرق شدن در همت برای آخرت، تا جایی که مکانی برای دوست داشتن دنیا در قلب باقی نماند و مثل او این گونه شود که در خوردن، نوشیدن یا قضای حاجت، عمل به طور خالص صورت پذیرد و نیت در دست باشد و اگر این گونه نباشد، درب اخلاص بر وی بسته می‌شود مگر در زمان‌هایی نادر.

کسی که دوست داشتن الله و دوست داشتن آخرت بر وی غلبه کند، حرکاتش طوری می‌شود که، همت او صفا پیدا می‌کند و مخلص می‌گردد؛ کسی که دباخواه و برتری طلبی و ریاست و بطور کلی غیر الله تعالی بر نفسش غلبه کند تمامی حرکاتش، این صفات را کسب می‌کنند و عبادتی مانند روزنه، نماز یا امثالهم برایش سالم نمی‌ماند، مگر در مواردی نادر.

علاج برای اخلاص، شکستن انگیزه‌های نفس است و قطع طمع بر دنیا و یگانه شدن برای آخرت. وقتی این موارد بر قلب غلبه می‌کنند، اخلاص آسان می‌شود. چه بسیار اعمالی که انسان برای آنها تلاش کرده و خسته می‌شود، در حالی که می‌پندارد خالص برای الله است و در آن اعمال دچار فریب می‌شود، زیرا آفت آن را نمی‌شناسد.

همان گونه که از کسی حکایت شده است: وی دائماً در صف اول نماز می‌خواند، روزی تأخیر نمود و در صف دوم نماز خواند و

از مردم خجالت کشید که او را در صف دوم دیدند و فهمید که انگیزه‌ی او در قلبش برای نماز خواندن در صف اول بدان سبب بود که مردم او را این گونه ببینند. این نگاهی دقیق و همه جانبه است و اعمالی بدین گونه کم نیستند و کمتر کسانی از آن آگاه می‌شوند، مگر آن که الله تعالی به آنها توفیق دهد، کسانی که از این امور غافلند، اعمال نیک خود را در روز قیامت اعمال سوء می‌بینند. آنان کسانی هستند که مورد خطاب این آیه قرار می‌گیرند: ﴿وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾ * وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا ﴿[الزمر: ۲۰، ۲۱] و برای آنها از الله چیزی برایشان آشکار می‌گردد که گمان آن را نمی‌کردند * و بدیهایی که انجام داده بودند برایشان آشکار می‌گردد.

همچنین این سخن خداوند عز و جل ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ [الکھف: ۱۰۳ - ۱۰۴] بگو: آیا می‌خواهید به زیانکارترین انسانها خبرتان دهم * کسانی که اعمالشان در دنیا باطل است و آنها می‌پندارند که آنچه انجام می‌دهند نیکو است.

بعضی از مطالبی که درباره‌ی اخلاص به ما رسیده است:

يعقوب گفته است: «مخلص کسی است که نیکی‌هایش را پنهان می‌دارد، همان گونه که بدی‌هایش را پنهان می‌کند».

سوسی گفته است: «اخلاص، دیدن اخلاص [در درون] نمی‌باشد، کسی که خود را مخلص می‌یابد در اخلاصش نیاز به اخلاص دارد». در آن اشاره شده است که برای پاک کردن عمل باید تعجب کردن از عمل، از بین برود و توجه نمودن به اخلاص، باعث

تعجب می‌شود که از آفت‌های کلی آن است و مخلص کسی است که از تمامی آفت‌ها پاک گردد.

ایوب گفته است: «خالص کردن نیت برای عمل کننده‌گان از تمامی اعمال سخت‌تر می‌باشد».

و بعضی گفته‌اند: «اخلاص در لحظه‌ای برای نجات ابدی کافی است، ای اخلاص سخت است».

سیدنا سید گفته شد: سخت‌ترین چیز بر نفس کدام است؟ گفت: «اخلاص، وقتی که آن نصیبی وجود نداشته باشد».

فضیل گفته است: «ترک کردن عمل برای مردم ریا است و عمل نمودن برای مردم سرک است و اخلاص این است که الله تو را از آن دو سلامت بدارد».

فضیلت نیت:

عمر بن خطاب رضی الله عنه گفته است: «برترین عمل، انجام دادن کاری است که الله تعالی آن را واجب فرموده است و تقوا داشتن از آنچه الله حرام کرده است و نیت صادق داشتن بر آن، نزد الله تعالی می‌باشد».

بعضی از پیشینیان گفته‌اند: «چه بسا عمل کوچکی با نیتش [عملی] بزرگ شود و چه بسا عمل بزرگی با نیتش کوچک می‌شود».

یحیی بن ابو کثیر گفته است: «نیت را آموزش بدهید! چون آن از هر عملی رساننده‌تر است».

بطور صحیح از ابن عمر رضی الله عنهما آمده است که از مردی که احرام بسته بود شنید: یا الله! من حج و عمره می‌خواهم، به او

گفت: «آیا به مردم آموزش می‌دهی یا الله آنچه که در درونت است را نمی‌داند؟». این بدین دلیل است که نیت: هدف قلب است و لازم نیست تا برای عبادتها نیت آنها گفته شود و فقط گفتن نیت در حج و عمره مشروع می‌باشد و گفته می‌شود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ بِحُجَّةٍ» (لبیک یا الله از حج) یا «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ بِعُمْرَةٍ» (لبیک اللهم از عمره) یا لبیک اللهم برای عمره و حج، اگر نیت حج قرآن صورت پذیرد و آن را «اللال» می‌نامند.

ب تبیین از سنت:

شرط دوم بر این قبولی عمل این است که مطابق با سنت پیامبر ﷺ باشد، زیرا این حدیثی که عایشه رضی الله عنها بیان داشته است، پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ أَخَذَتْ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ» کسی که امر جدیدی را در امر ما وارد کند که از آن (سخنان ما) نباشد آن عمل رد شده است. و در روایت مسلم آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» کسی که عملی را انجام دهد که امر ما بر آن نباشد آن [عمل] رد شده است.^(۱)

این حدیث، اصلی بزرگ از اصول اسلام است. همان گونه که حدیثی وجود دارد که: «الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (عمل با نیت سنجیده می‌شود) میزانیت اعمال در باطن آنها، میزانیت اعمال در ظاهر آنها می‌باشد، همان گونه که اگر عملی صورت گیرد که جلب رضایت الله تعالی در آن نباشد، برای انجام دهنده‌ی آن ثوابی ندارد. این

(۱) صحیح بخاری (بخاری)، (۳۰/۱/۵) الصلح و صحیح مسلم (۱۶/۱۲).

چنین است که اگر عملی صورت گیرد که امر الله متعال و فرستاده اش ﷺ بر آن نباشد، آن عمل رد شده است و از انجام دهنده ی آن قبول نمی شود، زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: «لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرًا» بر آن امر ما وجود نداشته باشد. اشاره دارد که تمامی اعمال عمل کننده ها باید مطابق احکام شریعت باشد و در احکام شریعت بر آنها باید امر و نهی وجود داشته باشد. کسی که عمل او تحت احکام شریعت و موافق با آن صورت گیرد، آن عمل قبول می شود و کسی که خارج از آن عمل کند، آن عمل مردود است.

آنجا که می‌فرماید ﴿وَإِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [الحشر: ۱] اینچه در رسول به شما می‌دهد، آن را نگه دارید و از آنچه نهی می‌نماید، خودداری کنید.

همچنین می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ كَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾ [الأحزاب : ۳۶] هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که وقتی الله و فرستاده اش امری را اعلام نمایند، از خودشان حق انتخاب داشته باشند و کسی که از الله و فرستاده اش نافرمانی کند، در گمراهی آشکاری گرفتار شده (است).

همچنین الله ﷻ تبعیت از سنت رسول الله ﷺ را علامتی بر دوست داشتن خودش قرار داده است و می فرماید:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» [آل عمران: ۳۱] بگو: اگر الله را دوست دارید از من تبعیت کنید [تا] الله شما را دوست بدارد.

حسن بصری رحمه الله گفته است: «مدعی‌ترین شخص برای ادعای محبت الله کسی است که با این آیه امتحان می‌شود: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» [آل عمران: ۳۱] بگو: اگر الله را دوست دارید از من تبعیت کنید...» تا آخر آیه.

همچنین پیامبر ﷺ به تمسک به سنتش و سنت خلفای راشدین بعد از خودش امر نموده است و می‌فرماید: «فإنه من يعش منكم فسيرى أكثراً فاعليكم بستي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدى عضواً عليها الرأجذ وإياكم ومحدثات الأمور فإن كل بدعة ضلالة» کسی که عمری بگزراند و سنت را بگردد و بدعتی را بخواهد دید و بر شماست که [در زمان احتیاجات] به سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده‌ی بعد از من عمل کند و آن را با دندان بگیرد و شما را بر حذر می‌دارم از امور جدید و هر بدعتی به گمراهی است^(۱).

زهري گفته است: «چنگ زدن به سنت، نجات است زیرا مالک گفته است: مانند کشتی نوح می‌باشد و کسی که بر آن سوار شود، نجات یافته است و کسی که از آن تخلف کند، هلاک خواهد شد».

(۱) مسند أحمد (۴/۱۲۶، ۱۲۷) و سنن أبو داود (۳۵۹/۱۲، ۳۶۰) السنه و سنن ترمذی

(۱۰/۱۴۴) العلم و گفته است: این حدیث، حسن صحیح است و سنن ابن ماجه (۴۳)

المقدمة و الدارمی (۱/۴۴، ۴۵) اتباع السنه، و البغوی در شرح السنه (۱/۲۰۵) و گفته

است: این حدیث حسن است.